

مطالعه تغییرات میدان های طراحی شده تاریخی بر اساس نمونه‌هایی از پایتخت های صفوی و قاجاری

مریم رضائی پور

کارشناس ارشد طراحی محیط، گروه باغ و منظر، پژوهشکده ابنیه و بافت های فرهنگی - تاریخی پژوهشگاه میراث فرهنگی
mrezayipour@yahoo.com

نیره خان محمدی

کارشناس ارشد طراحی محیط، گروه باغ و منظر، پژوهشکده ابنیه و بافت های فرهنگی - تاریخی پژوهشگاه میراث فرهنگی
n.khanmohamadi@yahoo.com

آزیتا علیزاده

کارشناس ارشد طراحی محیط، گروه باغ و منظر، پژوهشکده ابنیه و بافت های فرهنگی - تاریخی پژوهشگاه میراث فرهنگی
azita_a1981@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲۰

چکیده

میدان در مقام یکی از فضاهای شهری نقش ویژه‌ای در برقراری ارتباطات شهری از گذشته تا کنون داشته است. این فضا در ایجاد تصویری ذهنی از یک شهر برای بیننده حائز اهمیت است. پایتخت های تاریخی از جمله قزوین، اصفهان، و تهران دارای میدان هایی باشکوه بودند که بنا به نیاز جامعه شهری آن زمان ها و یا در راستای اهداف سیاسی حکومت های وقت طراحی شدند. بر همین اساس در این مقاله، میدان هایی در قزوین و اصفهان صفوی و تهران قاجاری برای مطالعه انتخاب شدند. مطالعات نشان می‌دهد که با وجود آن که میدان های اسب و سعادت قزوین و در اصفهان دوره شاه عباس به وجهی کامل تر در نقش جهان سازمان یافته اند و در میدان ارگ تهران نیز نشانه هایی از شباهت با میدان های صفوی نمود یافته است. در زمان ناصرالدین شاه قاجار تحول بزرگی در کالبد و کارکرد میدان رخ داد.

این مقاله در پی آن است تا با روشی مقایسه ای و با استفاده از منابع تاریخی به تحلیل چگونگی این تغییرات و پیامدهای آن بپردازد. نتایج تحقیق بیانگر تحول در ارزش ها و ساختارهای اجتماعی است که سبب ایجاد تغییرات کالبدی و کارکردی در میدان به ویژه از نیمه دوره قاجار شده است. در همین راستا ضمن مطالعه میدان های اسب و سعادت قزوین که در زمان شاه طهماسب طراحی شده اند، به بررسی میدان نقش جهان اصفهان پرداخته شده است و به دنبال آن میدان های ارگ و توپخانه تهران در دوره قاجار مورد مطالعه قرار گرفته اند.

واژه‌های کلیدی

میدان، قزوین، اصفهان، تهران، صفوی، قاجار، تغییرات کالبدی - کارکردی.

بودن‌شان پررنگ‌تر بوده است. گذشته از آنکه این دو دوره، دوره‌های کوتاه‌تری بودند، بخش زیادی از مدت زمان حکومت آن‌ها به ویژه در زمان افشاریه به جنگ و کشورگشایی گذشته است. با این وجود، شایسته است میدان‌های طراحی شده در این دوره‌ها نیز برای تکمیل و تدقیق بحث میدان، در مقاله‌ای جداگانه مطالعه شوند. در این مقاله، ضمن آنکه سازمان فضایی پنج میدان از دوره‌هایی که ذکر آن‌ها رفت، به لحاظ کالبدی و کارکردی مورد بررسی قرار می‌گیرند، این میدان‌ها با یکدیگر مقایسه خواهند شد تا با تحلیل این ویژگی‌ها، چگونگی تحول فضایی به نام میدان در پایتخت‌های تاریخی ایران در دوره‌ای در حدود سیصد سال مورد مذاقه قرار گیرد.

میدان‌های اسب و سعادت قزوین

اگرچه بخش اعظم شهر قزوین که در دوره حکومت شاه طهماسب پایتخت سیاسی بود از میان رفته است، برخی مستندات تاریخی به همراه تحلیل‌ها و مطالعات صورت‌گرفته در دوره معاصر، در بازبانی تصویر میدان‌های قزوین در آن دوره مؤثر هستند. مجابی هویت کالبدی شهر قزوین تا قبل از صفویه را میراث دوره دیلمی می‌داند. او معتقد است که در عصر صفوی ساختار طراحی‌شده وسیعی از باغ‌ها و کاخ‌ها و خیابان‌ها به شهر الحاق شد و شهر تا عصر قاجاریه بر این اساس تداوم داشت (مجابی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). وی بر این مسئله تأکید می‌کند که محور اصلی توسعه کالبدی شهر در عصر صفوی ناحیه مسجد جامع واقع در شارستان ساسانی به سمت شمال شهر و باغ‌های موسوم به جعفرآباد واقع در محله سعادت‌آباد و زنگی‌آباد بود (همان، ۲۰۵). بنابراین شهر جدید که عبدی بیگ نویدی شیرازی، شاعر دربار شاه طهماسب از آن با عنوان جعفرآباد یاد می‌کند، شهری در جنب قزوین و نه داخل آن بود^۱ که به دستور شاه طهماسب بنا شد.

مطالعه فضایی همچون میدان، به عنوان یک فضای شهری می‌تواند از وجوه گوناگون صورت پذیرد؛ چه هنگامی که ارتباط آن با سایر فضاهای شهری بررسی می‌شود و چه زمانی که شکل و کارکردهای گوناگون آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. میدان به عنوان فضایی با درجه عمومیت بسیار زیاد در محیط شهری حتی می‌تواند زمینه ساز مطالعات اجتماعی، سیاسی، تاریخی، فرهنگی را فراهم آورد.

در مقاله حاضر ضمن بررسی میدان به عنوان یک فضای شهری از طریق مطالعه کالبدی و کارکردهای آن در دوره‌های گوناگون، به روندی که میدان به لحاظ تاریخی و اجتماعی در فضای شهری پایتخت‌های تاریخی پیموده و تحول یافته، پرداخته خواهد شد. در این راستا، میدان‌های اسب و سعادت از قزوین دوره شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ق)، میدان نقش جهان اصفهان مربوط به دوران سلطنت شاه عباس یکم (۹۹۶-۱۰۳۸ق) با دو نمونه از تهران قاجاری مقایسه می‌شوند. نمونه نخست، میدان ارگ یا توپخانه قدیم است که از ابتدای پایتختی تهران در زمان قاجار وجود داشته و نمونه دوم، توپخانه جدید است که در زمان ناصرالدین شاه بنا نهاده شد. این انتخاب بنا با چند انگیزه صورت پذیرفت: نخست آن که تحولات میدان در دو دوره پیاپی مربوط به حکومت صفویان بررسی شود و با میدان‌هایی مقایسه شود که متعلق به یک سلسله دیگر با رویکردهای حکومتی متفاوت بوده است. مطالعه میدان‌های ارگ و توپخانه که متعلق به تهران قاجاری هستند، ضمن آن که می‌توانند با یکدیگر مقایسه شوند، با میدان‌های صفوی واقع در قزوین و اصفهان نیز مقایسه خواهند شد.

دوم آنکه بر خلاف حکومت‌های صفوی و قاجار که به عنوان حکومت‌های مرکزی‌ای که بر تمام گستره فلات تسلط داشتند، حکومت‌های مابین آن‌ها (افشاریه (۱۷۹۶-۱۷۳۶ م) و زندیه (۱۷۹۴-۱۷۵۰ م) به دلیل عدم تسلطشان بر تمام بخش‌های ایران جنبه محلی

در قزوین دو میدان بزرگ با نام‌های اسب و سعادت وجود داشتند که از مستحادثات دوره شاه طهماسب به شمار می‌رفتند. از موقعیت دقیق این دو میدان در قزوین اطلاع دقیقی در دست نیست. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت، موقعیت شهری و کالبدی دقیقی از میدان‌های اسب و سعادت ارائه شود. لکن در متون تاریخی و سفرنامه‌ها علاوه بر اشاره به بسیاری از فعالیت‌هایی که در آن زمان در این دو میدان صورت می‌گرفت، تا حدودی در خصوص کالبد آن‌ها صحبت شده است. به نظر می‌رسد، آنچه در خصوص این دو میدان بیش از همه مبهم است، موقعیت قرارگیری آنها در شهر قزوین و نیز نحوه ارتباط آنها با سایر عناصر شهری است. مجابی با مراجعه به عالم‌آرای عباسی مکان میدان اسب را در جانب غربی دولت‌خانه می‌داند: «...به این ترتیب می‌توان تصور کرد که میدان اسب مفصل فعال ارتباطی بین کاخ شاهی و بازار بوده باشد. مراجعات عامه از این میدان با ارگ حکومتی برقرار می‌شده است و از این لحاظ واجد اهمیت نظامی، سیاسی، و اجتماعی خاصی بوده است» (مجابی، ۱۳۸۸: ۲۱۸). علی‌رغم توصیف ارائه‌شده توسط مجابی، موقعیت این میدان نسبت به خیابان و سردر عالی قاپو هنوز روشن نیست. هم‌چنین ارتباط آن با سایر بخش‌های دولت‌خانه قزوین مبهم است. زیرا ارجاع وی به یکی از فرامین صادرشده به قاپوچیان بعد از مرگ شاه اسماعیل دوم است مبنی بر بستن درگاه میدان اسب که مشخص‌کننده نسبت آن با فضاهای پیرامونی‌اش نیست. عبدی بیگ در دوحه‌الآزهار در یکی از عناوین شعرهایش به میدان اسب اشاره می‌کند. اگرچه هدف او توصیف قصر جهان‌نما در جانب این میدان بوده که در آن زمان به تازگی توسط شاه طهماسب ساخته شده بود، اما این اشاره به منزله مهر تأییدی بر حضور چنین میدانی است که در جداره آن کاخی به نام جهان‌نما بنا شده بود. در ابیات مربوط به این بخش، عبدی بیگ هیچ اشاره‌ای به میدان نمی‌کند و توصیفی از آن ارائه به دست نمی‌دهد؛^۲

اما دست‌کم این اطلاع را به دست می‌دهد که در آن زمان در جانب این میدان که البته مشخص نیست کدام جبهه میدان مد نظر عبدی بیگ بوده است کاخی به نام جهان‌نما توسط شاه طهماسب احداث شد و به بهره‌برداری رسید.

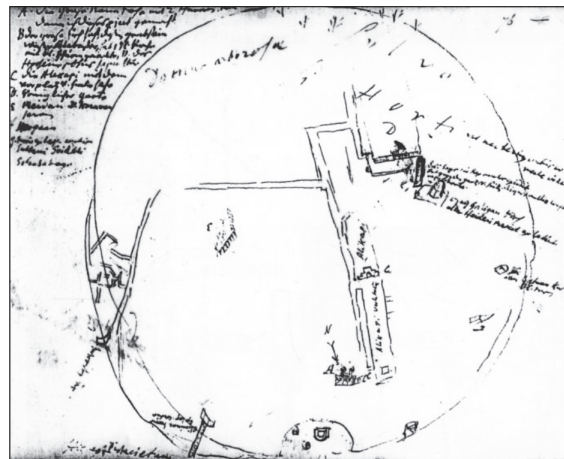
پیترو دل‌واله^۳ که به سال ۱۶۱۶م در زمان شاه عباس یکم به ایران سفر کرده، میدان اسب را میدانی در جانب درب شاهی توصیف می‌کند (دل‌واله، ۱۳۴۸: ۲۸۹). شاردن^۴ که در اواخر قرن هفدهم در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان به ایران سفر کرده به زیبایی و شباهت سازمان فضایی این مکان با میدان شاه اصفهان اشاره می‌کند.^۵

اما آنچه بیش از همه سبب تحیر و تعجب است، کروکی انگلبرت کمپفر^۶ از میدان اسب است. او ضمن آنکه از ترسیم میدان سعادت سر باز زده، میدان اسب را به صورت یک مستطیل کشیده در مقابل سردر عالی قاپو ترسیم می‌کند (تصویر ۱). نوع ترسیم و نگاه او به میدان اسب، سبب شد تا پژوهشگران بسیاری از جمله سوسن بابایی آن را با خیابان جعفرآباد یکی بدانند. ترسیمی از سوسن بابایی، محدوده مقابل عالی قاپو را به گونه‌ای نشان می‌دهد که میدان اسب به مثابه خیابان جعفرآباد دانسته شده و اجزاء و عناصر شهری همچون مسجد جامع، مسجد حیدریه، مدرسه، و البته سردر عالی قاپو پیرامون آن چیده شده‌اند (تصویر ۲).

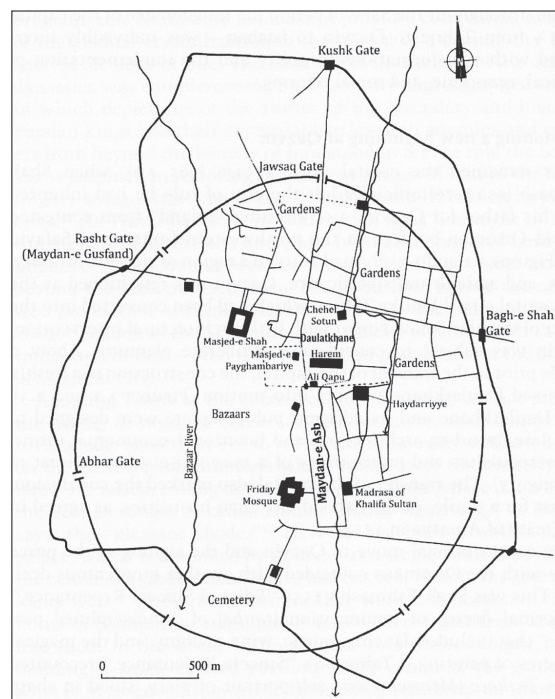
به نظر می‌رسد یکی دانستن این میدان با خیابان جعفرآباد نمی‌تواند ایده درستی باشد، زیرا از یک سو عبدی بیگ از این میدان نام می‌برد و در جای خود، خیابان را نیز به تفصیل شرح می‌دهد. از سوی دیگر جهانگردانی چون شاردن و دل‌واله سعی در توصیف آن در مقام یک فضای شهری کرده‌اند.

اواخر دوره قاجار با اجتماع بزرگان و اعیان و اشراف ادامه داشت. میدان چراغانی و قرق می شد و پس از خاتمه حضور شاه در اختیار مردم قرار می گرفت. گاه به عنوان فضای نمایشی و تشریفات و سان و رژه و پذیرایی هیئت ها و انجام جشن ها و چراغانی ها و بازی و تفریح و ورزش و امثال این ها عمل می کرد. فضاهای عمومی میدان با دکان های مختلف محصور می شد (مجابی، ۱۳۷۸: ۵۰۸). میدان اسب محل چوگان بازی، قیق اندازی، تنبیه مقصران، و اجرای گرگ بازی بود^۷ (دبیرسیاقتی، ۱۳۸۱: ۳۹۴).

میدان دیگری که در غرب مجموعه باغ های سعادت و در شرق بازار قرار داشت، میدان سعادت بود. به گفته دلواله این میدان نیز شباهت زیادی با میدان شاه اصفهان داشت. اما بدنه آن یک طبقه بود. دلواله معتقد است به همین سبب این میدان سایه سار کم تری نسبت به میدان شاه اصفهان داشته است. از سوی دیگر دلواله به این نکته اشاره می کند که در آن زمان که او از میدان بازدید می کرد، به تازگی در اطراف آن درخت کاشته بودند و در پای آنها نهری جاری بود. طبق گفته او فعالیت های انجام شده در این میدان، نظیر فعالیت های میدان اسب بود و شاه اوقاتی در آن حضور می یافت و به ورزش و بازی های گروهی می پرداخت. در جداره این میدان هم، دلواله به حضور دو قصر (یکی متعلق به شاه و دیگری متعلق به اهل حرم) اشاره می کند؛ اما موقعیت قرارگیری آنها در میدان سخنی نمی گوید.^۸ اما اسکندربیک منشی شیرازی در کتاب عالم آرای عباسی، موقعیت قرارگیری این دو عمارت را دو جانب شرقی و غربی میدان سعادت معرفی کرده است. او به حضور شاه عباس یکم در سال هشتم سلطنتش در این میدان و کاخ های مزبور و برپایی مراسم جشن و ورزش های دسته جمعی در آن اشاره می کند. این جشن ها به مناسبت بازگشت شاه عباس از گیلان در میدان برپا شده بود و هر یک از دکان داران حاشیه میدان موظف به آذین بستن



تصویر ۱. کروکی انگلبرت کمپفر از عالی قاپو و خیابان در قزوین (مأخذ: عالمی، ۱۳۸۷: ۴۹).



تصویر ۲. ترسیم سوسن بابایی از قزوین طهماسبی بر اساس کروکی کمپفر (مأخذ: Isfahan and its Palaces: Statecraft, University of Edinburg Press).

میدان اسب به عنوان فضایی عمومی، محل برگزاری بسیاری از مراسم مقابل سردر عالی قاپو، از فضاهای کلان شهری و فضایی عمومی بود که شاه به طور رسمی و یا غیر رسمی با عامه مردم به مناسبت های گوناگون به طور مستقیم ملاقات می کرد. این عملکرد میدان تا

و چراغانی بخشی از میدان شده بودند^۹ (اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۴۸: ۴۹۹-۵۰۰). علی‌رغم توصیف‌های ارائه‌شده توسط اسکندریبگ و دلاواله، هنوز نقاط مهم فراوانی در خصوص میدان سعادت وجود دارد. از جمله آگاهی کافی در خصوص جهت این میدان و همچنین میدان اسب و نیز نحوه دسترسی به آن و نحوه ارتباط آن با سایر فضاهای شهری وجود ندارد.

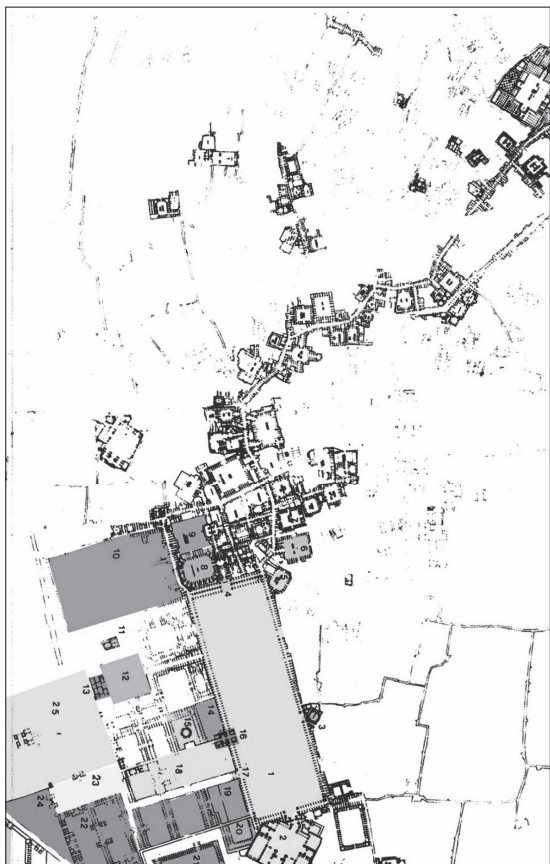
توجه به میدان‌های اسب و سعادت چند نکته را مشخص می‌سازد. شاه طهماسب این دو میدان را به عنوان مکانی عمومی در شهر قزوین بنا نهاد که در دوره‌های بعدی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفتند. به نظر می‌رسد این میدان‌ها محصور بوده‌اند و در جداره آنها قصرهایی جای داده شده بودند. هرچند که از نحوه قطعی ارتباط میدان اسب با خیابان جعفرآباد و ارتباط میدان سعادت با مجموعه کاخ‌ها و باغ‌های سعادت و همچنین مجموعه بازار، اطلاع کافی در دست نیست.

به گفته دلاواله در حاشیه میدان سعادت جوی آب طراحی شده و درختانی کاشته شده بود. هرچند که جوان بودن درختان امکان بهره‌گیری از شرایط مطلوب را در تمام ساعات روز فراهم نمی‌کرد، حضور جوی آب در کنار عناصر گیاهی در حاشیه میدان، نشان از طراحی میدان به صورت یک فضای عمومی باغ‌مانند دارد.^{۱۰} در عین حال هر دو میدان به طور همزمان پاسخگوی کارکردهای گوناگون بودند. به نظر می‌رسد، هدف از طراحی آن ایجاد مکانی برای برپایی جشن‌ها و مناسبت‌ها و انجام ورزش‌های دسته‌جمعی با حضور شاه و درباریان و عامه مردم بوده است.

میدان نقش جهان اصفهان

اسکندریبگ ترکمان، منشی و مورخ دربار شاه عباس یکم از مستحدثات وی در اصفهان به تفصیل سخن می‌گوید.^{۱۱} آنچه از توصیف‌های اسکندریبگ برمی‌آید، ساماندهی وسیع و افزودن الحاقات جدید به جداره میدانی است که پیش

از آن تاریخ (یعنی دهمین سال حکومت شاه عباس یکم) وجود داشت. این میدان به گونه‌ای طراحی شده بود که شهر قدیم را با شهر جدید پیوند دهد (تصویر ۳). در توصیف اسکندریبگ به برخی وجوه اشاره شده است که به نظر شاه عباس یکم حائز اهمیت بود. این وجوه که شامل ارزش‌های مذهبی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی بودند، در جداره‌های میدان طراحی شدند.



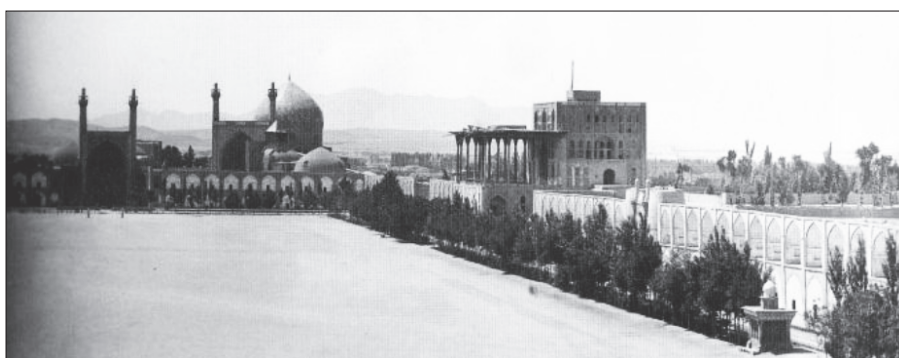
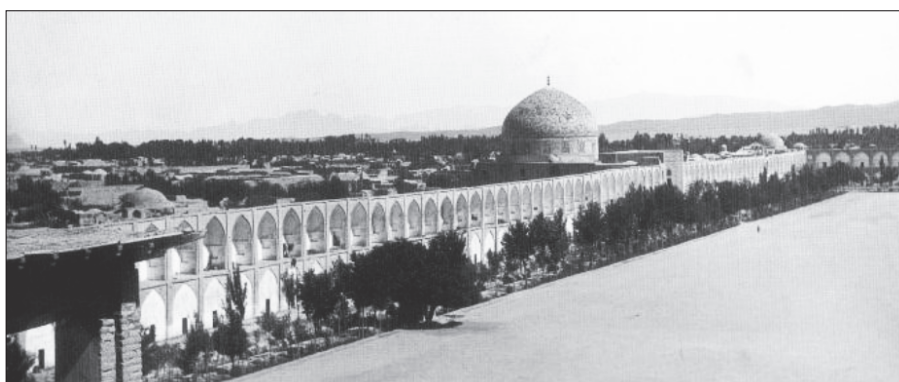
تصویر ۳. چگونگی پیوند شهر قدیم و جدید از طریق میدان. در این نقشه که توسط میرفندرسکی و همکاران ترسیم شده، امتداد بازار به میدان و بازار جدید متصل شده است (مأخذ: مرکز اسناد و کتابخانه میراث فرهنگی اصفهان، ۱۳۵۶).

شاردن در سفرنامه خود سعی در توصیف کالبدی میدان کرده است. طبق توصیف او میدان نقش جهان از هر دو میدان اسب و سعادت قزوین بزرگ‌تر بوده و دارای زیبایی چشم‌گیری بوده است.^{۱۲} (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۰۷-۱۰۹). در ابتدای حکومت شاه عباس میدان دارای یک رواق یک طبقه بود. در سال ۱۰۱۰ق اصلاحات بیش‌تری در میدان

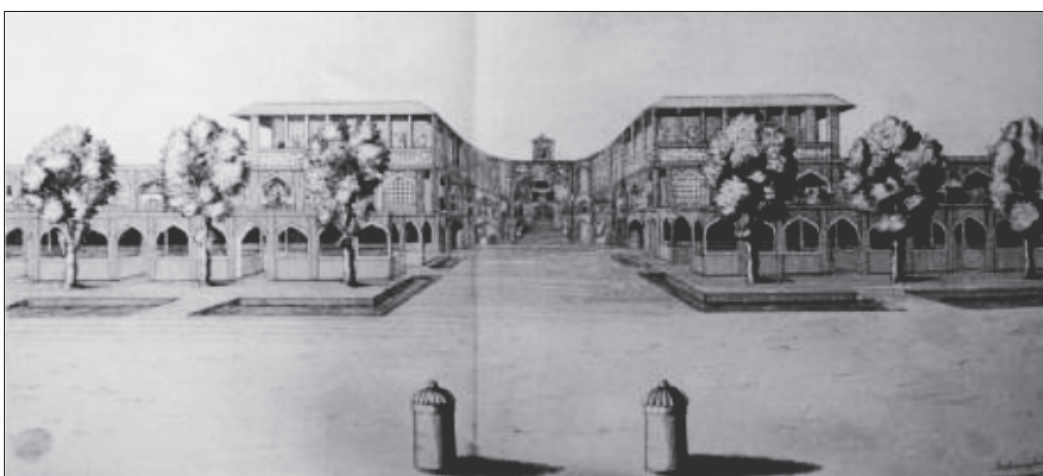
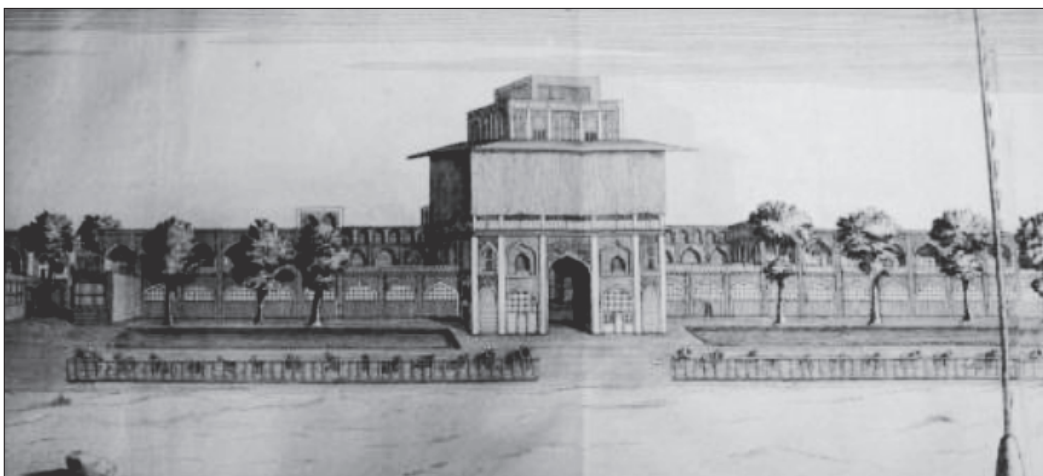
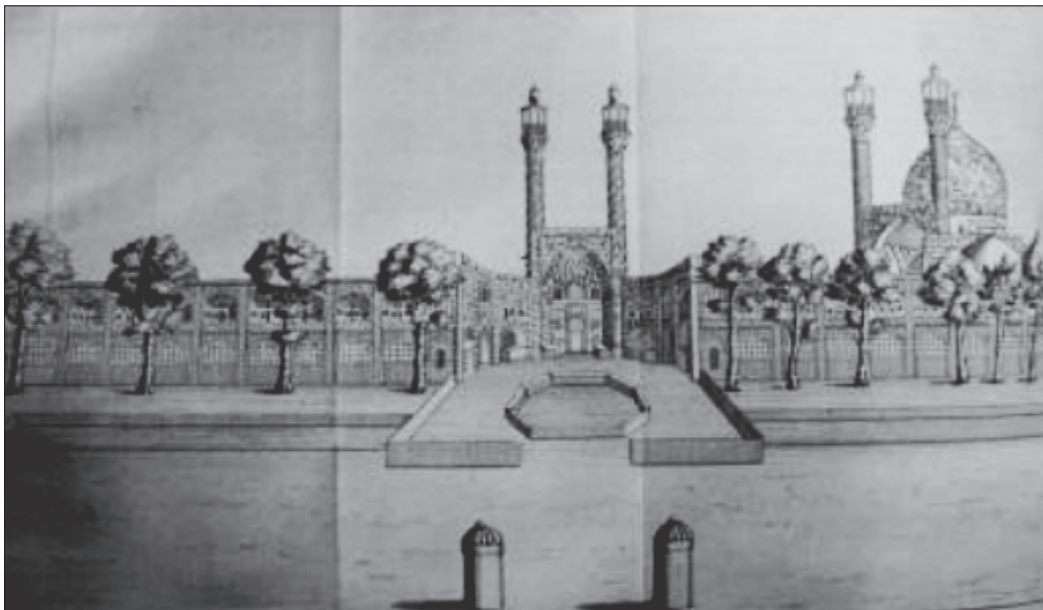
کردند تا بازرگانان و خریداران را جذب کنند (عالمی، ۱۳۸۷: ۵۸). با وجود رواقی دوطبقه میدان دارای سایهٔ بیش‌تری در طول روز می‌شد و امکان حضور در آن آسان‌تر می‌شد. دلاواله شرح مفصلی از فضای میدان ارائه می‌کند. او زیبایی میدان شاه را بالاتر و برتر از میدان ناوونا در رم می‌داند. آنچه بیش از همه باعث شگفتی این جهانگرد شده و موجب برانگیختن حس زیبایی او در خصوص میدان شاه شده بود، تناسب و توازن فضایی است که به واسطه معماری آن پدید آمده بود.^{۱۳} دلاواله بلافاصله پس از اشاره به تناسب و توازن، به عناصر طبیعی در میدان اشاره می‌کند^{۱۴} (دلاواله، ۱۳۴۸: ۳۷ و ۳۸). حضور این عوامل علاوه بر ایجاد زیبایی طبیعی در میدان، سبب تلطیف شرایط محیطی و نیز ایجاد توازن بصری در کنار هندسهٔ اقلیدسی حاصل از معماری می‌شد. این گونه از هندسه که مختص طبیعت است با نام هندسه فراکتال^{۱۵} شناخته می‌شود.

شاه عباس با کاشت درختان در حاشیه میدان، که عناصری شفاف محسوب می‌شدند، نوع دیگری از هندسه را در کنار معماری قرار داد و سبب ایجاد توازن بصری در میدان شد. وجود دو عنصر آب و درختان بلند در حاشیهٔ میدان شاه مطابق با توصیف دلاواله عناصری بودند که به میزان زیبایی آن می‌افزودند. این جوی‌ها و ردیف درختان تا همین سال‌های اخیر نیز در حاشیهٔ میدان وجود داشتند (تصویر ۴).

حضور عناصر طبیعی در میدان - که بخشی از طرح آن را تشکیل می‌دادند - مورد توجه شاردن نیز قرار گرفت؛ او نیز همچون دلاواله بخشی از زیبایی میدان را مرهون حضور چنین عناصری در کنار بناهای حاشیهٔ میدان که بسیار منظم و متوازن بودند، می‌دانست (تصویر ۵) (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۷۵).



تصویر ۴. میدان نقش جهان در زمان حکومت ناصرالدین شاه قاجار (مأخذ: هزار جلوهٔ زندگی، ارنست هولتسر، ۱۳۸۲: ۵۴ و ۵۵). ردیف درختان حاشیهٔ میدان به همراه جوی آب، دو عنصری هستند که به میدان فضایی باغ گونه اعطاء می‌کردند. ضمن اینکه محدودهٔ میانی میدان برای انجام فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خالی گذاشته شده بود.



تصویر ۵. سه جبهه از میدان نقش جهان ترسیم شده توسط اوژن فلاندن. راست: عمارت عالی قاپو در غرب میدان، وسط: سردر قیصریه در شمال میدان و چپ: مسجد شاه در جنوب میدان (مأخذ: کتابخانه بریتانیا. این تصویر از نسخه چاپ شده در سال ۱۷۱۱م در آمستردام اخذ شده است).

نصراالله فلسفی در کتاب خود با عنوان *زندگانی شاه عباس اول* از علاقه وافر شاه به برگزاری مراسم آتشبازی و چراغانی می‌گوید. برخی از اوقات سال که [شاه] فرمان چراغانی می‌داد، تمام مردم شهر باید در این امر مشارکت می‌کردند. فلسفی هم‌چنین به طیف وسیعی از جشن‌ها، بازی‌ها، و فعالیت‌های ورزشی و اجتماعی شاه در کتابش می‌پردازد. علاوه بر آتش‌بازی و چراغانی، شاه عباس به شکار، ماهیگیری، چوگان، و قیق‌اندازی می‌پرداخت و بخشی از وقت خود را در میدان و قهوه‌خانه‌های عمومی با مردم عادی می‌گذراند. او در برگزاری جشن نوروز، آب‌ریزان، عید اسفند، عید گل‌سرخ، مراسم رقص، و شرب‌خواری اهتمام تمام داشت و به تفریحاتی که در آن عموم مردم یا دست کم خیل زیادی از افراد دربار در آن حضور می‌یافتند، علاقه مند بود. از جمله این بازی‌ها گرگ‌بازی، گاوبازی و قوچ‌بازی، جنگ شاهین و عقاب، جنگ حیدری و نعمتی، جنگ سنگ و شمشیر، ریسمان‌بازی و حقه‌بازی، گل‌ریزان حمام، قاب‌بازی، و تخم‌مرغ‌بازی بود (فلسفی، ۱۳۳۴: ۲۸۵-۳۳۱).

علاوه بر برگزاری جشن‌ها، شاه عباس در برپایی مراسم محرم در میدان نیز اهتمام تمام می‌ورزید. عالمی در این خصوص از کالمارد^{۱۶} نقل قول کرده است.^{۱۷} بنابراین علاوه بر طراحی عناصر مذهبی در حاشیه جنوبی و شرقی میدان، شاه عباس از طریق برپایی مراسم مذهبی خاص شیعیان به نمایش عقاید مذهبی خود در حضور مردم می‌پرداخت. علمای شیعه را با خود همراه می‌کرد و از همه مهم‌تر قدرت حکومت صفوی را به رخ همگان می‌کشید. این مراسم همراه جشن‌ها و مراسم آیینی که پیش از این از آنها صحبت شد، در زمان جانشینان شاه عباس نیز ادامه داشت.

شاه عباس دوم که به دستور وی تغییراتی در دولت‌خانه و شهر اصفهان رخ داد، همانند شاه عباس کبیر مراسم چراغانی و آتشبازی را در میدان مقابل دیده‌عموم مردم صورت می‌داد. به طور مثال وحید قزوینی مورخ

آن دوره اشاره به برگزاری مراسم چراغانی و آتشبازی در اطراف میدان در مراسم استقبال از ندرمحمدخان^{۱۸}، می‌کند^{۱۹} (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۷۶ و ۷۷). به نظر می‌رسد شاه عباس دوم هم‌همچون نیای خود به برگزاری مراسم جشن و از جمله جشن‌های منسوب به پادشاهان ایران باستان علاقه‌ای تمام داشت. قزوینی شرح کاملی از آیین اسپندارائه می‌دهد که به گفته وی در سه موضع یکی در تالار دولت‌خانه، دیگری در سردر قیصریه که در همان میدان نقش جهان واقع شده بود و جشن سوم در تختگاه قیصریه برگزار گردیده بود.^{۲۰} علاوه بر برگزاری مراسم و جشن‌ها و نیز کمانداری و قیق‌اندازی، شاه عباس دوم به بازی چوگان در عرصه میدان نقش جهان می‌پرداخت^{۲۱} (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۴۰). این جشن‌ها که طبق گفته فلسفی در دوره شاه عباس یکم نیز برگزار می‌شد، از جمله مراسمی بود که پادشاهان صفوی با الگوبرداری از پادشاهان قبل از اسلام و جشن‌های آن زمان، برگزار می‌کردند.

دلوااله هم‌چنین به حضور شاه برای ارتباط با مردم در میدان و بازار اشاره می‌کند (دلوااله، ۱۳۴۸: ۴۶ و ۴۷). به نظر می‌رسد میدان جایی بود که در آن شاه مایل به ایجاد ارتباط اجتماعی با مردم در آن بود. در عین حال او توجه زیادی به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم داشت تا آن حد که شخصاً اقدام به بازدید و سرکشی از میدان و بازار اطراف آن می‌کرد. سپس شاردن تأکید زیادی بر وجه اقتصادی میدان می‌کند و به این مسئله می‌پردازد که چگونه میدان به بازار تبدیل می‌شده است. او می‌گوید که این میدان بزرگ در اعیاد و مواقع رسمی از قبیل روزهای پذیرایی سفیران خالی می‌شود ولی در اوقات دیگر مشحون از مسگران و آهنگران، کهنه‌فروشان، خرده‌پیشه‌وران و فی‌الجملة دکاکین بی‌شماری است که هرگونه خواربار مورد نیاز در آنها مشاهده می‌شود (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۱۲ و ۱۱۳). اما شاردن می‌گوید که در زمان شاه عباس کبیر هر یک از این دکاکین دارای

سازمانی فضایی برای حضور در میدان بودند و شاه عباس خود شخصاً محل حضور هر یک را تعیین کرده بود. پیشه‌هایی را که شاردن از آنها نام می‌برد عبارت‌اند از: بازار درازگوشان و چهارپایان، اسب‌فروشان، شترفروشان، و قاطرفروشان. این بازار فقط صبح‌ها تشکیل می‌شده است و پس از آن درودگران و چوب‌فروشان در همان محل بساط می‌کردند. مرغ‌فروشان، خشکبارفروشان، نخ‌فروشان، مسگران، آهنگران، چلنگران، سراجان (افسار و زین می‌فروختند)، کلاه‌پوستی‌فروشان، سوداگران، نمدهای کلفت، پوست‌فروشان (مسلمانان و مسیحیان)، چرم‌فروشان ضخیم و لطیف، پوشاک‌فروشان، فروشندگان پارچه‌های کتانی، حلاجان، مسگران، صرافان (همان‌جا سکه‌ضرب می‌کردند)، طبیبان، میوه‌فروشان، سبزی‌فروشان، قصابان، و آشپزان (خوراک‌فروشان) هر یک برای خود زمان مخصوص و جای مخصوصی برای کسب و کار در میدان داشتند (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۱۶-۱۱۴). توجه به وجه اقتصادی از طریق اتصال بازار قدیم با بازار جدید حاشیه‌میدان یعنی بازار قیصریه نیز تأیید می‌شود. میدان نقش جهان اصفهان نیز فضایی محصور بود که جداره‌هایی متوازن داشت و بناهایی با کارکردهای مذهبی و سیاسی و اقتصادی مد نظر دولت صفوی در جداره آن جای گرفته بودند. صحن میدان نیز به طیف وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، تفریحی، سیاسی، و مذهبی اختصاص یافته بود. به نظر می‌رسد در این میدان کارکردهای اقتصادی به صورت چشمگیری نسبت به آنچه در قزوین وجود داشت، گسترش یافته بود. از سوی دیگر وسعت بیش‌تر میدان و طراحی هنرمندانه آن نشان از احداث میدان به عنوان فضایی برای نمود اهداف سیاسی دولت صفویه دارد. این میدان پل ارتباطی شهر قدیم (شهر سلجوقی) با شهر صفوی بود. بدین ترتیب که بازار قدیم که شکلی ارگانیک داشت از سوی شمال به بازار جدید راه می‌یافت و از طریق سردر قیصریه به میدان متصل می‌شد (تصاویر ۳ و ۵). در عین حال

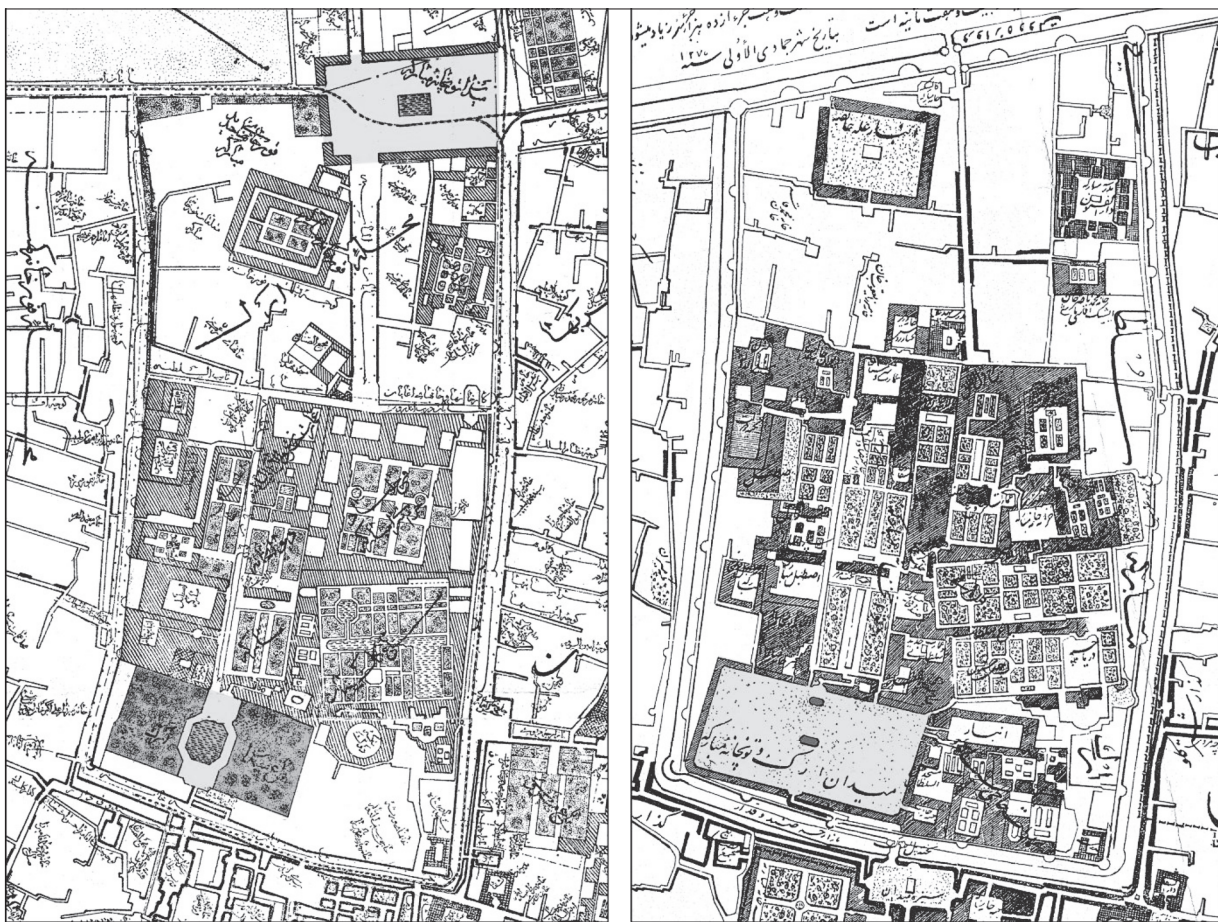
با دقت در نقشه شهری اصفهان، مشاهده می‌شود که خیابان چهارباغ یا خیابان پراهمیت دیگری به میدان متصل نمی‌شود.

میدان‌های ارگ و توپخانه تهران

باید توجه داشت که میدان شاه یا ارگ تهران، بخشی از ارگ سلطنتی بود که شکل‌گیری اولیه آن در دوره شاه طهماسب صفوی اتفاق افتاده است. این میدان که در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار میدان شاه نامیده می‌شد، بعدها میدان توپخانه نام گرفت و در اواخر عهد ناصرالدین پس از تغییرات بسیار باغ گلشن خوانده شد و سرانجام به نام میدان ارگ معروف شد (معمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲-۲۲۳).

با مقایسه دو نقشه کرشیش و عبدالغفار که تهران را در دو دوره ابتدایی و میانی حکومت ناصرالدین شاه در فاصله حدود ۲۶ سال نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد میدان ارگ تغییرات زیادی کرده است. در دوره نخست، میدان یک مستطیل کشیده است که سردر کاخ گلستان در جبهه شمالی آن قرار دارد و دیوار باغ جانب شمالی میدان را محصور کرده است. در جبهه شرقی، خانه‌هایی با حیاط مرکزی دیده می‌شود که جداره شرقی میدان را محصور می‌کرده است. بخش‌های غربی و جنوبی میدان با دیواری ضخیم محصور می‌شده که به نظر می‌رسد با توجه به ضخامت این دیوار، در دل آن طاق‌نماهایی وجود داشته است. تصویری که فلاندن^{۲۲} در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۱۳-۱۲۲۷ق) از میدان تهیه کرده است نیز وجود طاق‌نماها را تأیید می‌کند (تصویر ۶).

حسین شهیدی ابعاد میدان را ۲۱۶ متر در ۱۰۸ متر اعلام می‌کند و این مکان را میدان مشق و محل تمرین توپخانه می‌داند. ظاهراً غرفه‌های دور آن برای استقرار توپ‌ها تعبیه شده بود و در وسط آن سکویی بود که بر



تصویر ۶. سمت راست: میدان ارگ در نقشه سال ۱۲۷۵ ق کرشیش^{۳۳}. سمت چپ: میدان های ارگ و توپخانه جدید در نقشه سال ۱۳۰۱ ق عبدالغفار (مأخذ: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب). به تفاوت ها در طرح هر دو میدان در این دو دوره توجه شود.

جشن‌های مهم نیز در همین جا برگزار می شد. برای این منظور در آنجا مصطبه بلندی وجود داشت که شاه و صاحب‌منصبان و سفرا روی آن به تماشا می نشستند. در گوشه جنوبی، برج کوچکی وجود داشت که شاه اغلب در آنجا با دوربین بدون اینکه کسی متوجهش باشد عابرین و تمرین‌های توپخانه را زیر نظر می گرفت (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). به گفته فلاندن سکوی توپ‌ها محلی برای پناه گرفتن و بست نشستن مجرمین بوده است.^{۲۶}

در تصویری که اوژن فلاندن جهانگرد و نقاش اروپایی از این محل نقاشی کرده وضع میدان و کاخ سردر حیاط تخت مرمر در شمال میدان و در سمت راست آن برج آقا محمدخانی و در سمت چپ دهانه کوچکی که بعدها

آن یک عراده توپ را که در دوره شاه عباس از پرتغالی‌ها به غنیمت گرفته بود در معرض تماشا گذاشته بودند (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). نجمی به این نکته اشاره می کند که میدان شاه، ارگ یا توپخانه قدیم، میدانی محصور بوده است و در جانب جنوبی آن خندقی وجود داشت که توسط پلی به میدان راه می یافت. در منتهی الیه شمالی میدان، دیوار و سردر کاخ گلستان وجود داشت (نجمی، ۱۳۷۰: ۶۱).

ژرژ کیپل^{۲۴} از مأموران انگلیسی ضمن اشاره به توپ های موجود در میدان به حضور چهار دروازه در آن اشاره می کند.^{۲۵} در همین میدان هم از نیروهای نامنظم رژه گرفته می شد و آتش بازی و مسابقات عمومی در

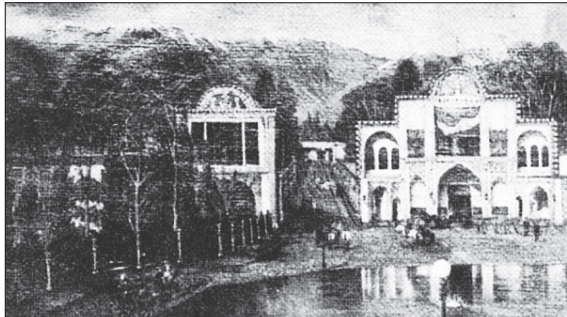
خیابان نایب السلطنه نامیده شده و صف توپچی‌ها و توپ مروارید که در وسط میدان بر روی سکویی قرار دارد به خوبی نمایان است. در ضمن در این تصویر در وسط میدان تنها سکویی چندضلعی برای قرارگیری توپ بر آن وجود دارد که در نقشه کرشیش نیز دیده می‌شود. در نقشه کرشیش جز دو سکو چیزی در میدان دیده نمی‌شود حال آنکه در تصویر فلاندن یک سکو در مرکز و طاق‌های مشابه گرداگرد میدان مشهود است (تصویر ۷).



تصویر ۷. میدان شاه تهران در دوره محمدشاه قاجار، ترسیم اوژن فلاندن (۱۲۲۰ق)، در این تصویر علاوه بر سردر ارگ سلطنتی ورودی خیابان نایب السلطنه از طریق یک طاق نما مشخص است. عکس از کتاب سفر در ایران، نوشته اوژن فلاندن و پاسکال کست، چاپ ۱۸۴۰-۱۸۴۱م (مأخذ: ذکاء و سمسار، ۱۳۷۶: ۶۴).

مطابق با گفته ناصر نجمی به دستور ناصرالدین شاه در سال‌های ۱۲۶۷، ۱۲۷۱ و ۱۲۸۱ق تعمیراتی در میدان صورت گرفت (نجمی، ۱۳۷۰: ۶۳-۷۲). اعتمادالسلطنه (روزنامه‌نگار و منشی ناصرالدین شاه) چگونگی مستحدمات که به تغییر وسیع سازمان فضایی میانه میدان منتهی شد را حین ساخت و پس از اتمام آن شرح می‌دهد.^{۳۷} نوسازی‌هایی که در دوران سلطنت ناصرالدین شاه در میدان اتفاق افتاد، دگرگونی زیادی در چهره آن ایجاد کرد. همان‌طور که در نقاشی صنیع الملک (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) مشاهده می‌شود و نقشه عبدالغفار نیز آن را تأیید می‌کند، در این دوره حوض بزرگی در وسط میدان ساخته شد و باغچه‌هایی پیرامون آن شکل گرفت که محل آن پشت سکویی بود که توپ روی آن قرار داشت. چنانچه دو تصویر فلاندن و صنیع الملک و نیز نقشه‌های کرشیش

و عبدالغفار با یکدیگر مقایسه شوند، ورودی خیابان نایب السلطنه در هر دو تصویر و هر دو نقشه دیده می‌شود. در اینجا وضعیت میدان در جبهه سردر کاخ تغییراتی کرده است و خیابان نایب السلطنه که در ترسیم فلاندن ظاهراً ورود به آن از یکی از طاق‌نماهای غیر محصور انجام می‌شد، تعریض شده و طاق مورد نظر نیز از آن حذف شده است (تصویر ۸).



تصویر ۸. میدان ارگ در دوره ناصرالدین شاه (۱۳۰۳ق) در نقاشی صنیع الملک، به تغییرات وسیع صحن و جداره‌های میدان و حذف طاق‌نمایی که به خیابان نایب السلطنه راه می‌یافت، توجه شود (مأخذ: ذکاء و سمسار، ۱۳۷۶: ۷۵).

در سال ۱۲۸۱ق در اواسط سلطنت ناصرالدین شاه، توپ‌های داخل میدان ارگ را به منظور احداث میدانی در شمال ارگ سلطنتی به نقطه‌ای در سمت شمالی ارگ سلطنتی منتقل کردند و از آن پس این محل به نام «میدان توپخانه» شهرت یافت. میدان توپخانه با عرضی حدود ۱۱۰ متر و طولی نزدیک به ۲۲۰ متر مستطیلی است که کاملاً از تناسبات مطرح در معماری تبعیت می‌کرد. شش خیابان اصلی و جدید شهر به این میدان راه می‌یافت. نظم ممتد و آهنگین دیواره میدان به وسیله عناصر اصلی پیرامونی شکسته می‌شد. این عناصر ساختمان‌های مهم دولتی و عمومی هستند که به صورت یادمان، مکان با اهمیتی در فضای شهری را اشغال می‌کردند و فضای نمایشی بسیار قوی‌ای را به وجود می‌آوردند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۳۹) (تصویر ۹). بعدها ساختمان بلدیة تهران در ضلع شمالی میدان بنا شد و هم‌چنین میرزا قهرمان امیرلشکر، وزیر گمرکات ناصرالدین



تصویر ۹. بالا راست: جنوب غربی میدان توپخانه شامل سردر الماسیه در چپ تصویر و نظمی در راست آن (مأخذ: جانزاده، ۱۳۸۹). بالا چپ: سردر خیابان چراغ گاز در جداره شرقی میدان توپخانه (مأخذ: ذکاء و سمسار، ۱۳۷۶: ۸۴). پایین راست: سردر خیابان لاله زار در حاشیه شمال شرقی میدان توپخانه (مأخذ: ذکاء و سمسار، ۱۳۷۶: ۷۵). پایین چپ: بانک شاهی در جداره شمالی میدان توپخانه (مأخذ: ذکاء و سمسار، ۱۳۷۶: ۷۴).

(۱۳۸۱: ۵۴).

ارنست اورسل^{۲۹} که در زمان ناصرالدین شاه به ایران مسافرت کرده بود، در سفرنامه خود با عنوان سفرنامه قفقاز و ایران به برخی ویژگی‌های کالبدی و کارکردی میدان توپخانه اشاره می‌کند. وی ضمن اشاره به محصوریت این میدان، از آن به عنوان مکانی برای اتصال خیابان‌های گوناگون شهر یاد می‌کند. بنا به گفته وی، میدان توپخانه مکانی محصور بود که جداره‌های آن مزین به گچبری بود. اورسل بناهای سردری را که هر یک دهانه خیابان‌های آن زمان را شکل می‌دادند، مزین و بسیار زیبا توصیف می‌کند. به نظر او این مکان شلوغ‌ترین جای شهر در دوره قاجار بوده و افرادی چون مارگیر، چشم‌بند، عنترباز، و رقاص در میانه آن مشغول امرار معاش بودند. علاوه بر آن زیبایی قلعه دماوند که از میانه میدان قابل رویت بود، اورسل را تحت تأثیر قرار داده بود (اورسل، ۱۳۵۳: ۲۲۷-۲۲۹).

محمدزاده مهر ضمن اشاره به محصور بودن میدان

شاه عمارت وسیع و بسیار مجللی در ضلع شرقی میدان ساخت و سردر ایوان آن را که به سوی میدان باز می‌شد، گچبری‌های جالبی کرد. این ساختمان عظیم سالیان بعد تغییر شکل داده محل بانک شاهی شد که اکنون محل بانک بازرگانی (بانک تجارت) ایران است (نجمی، ۱۳۷۰: ۶۳). به جز دروازه‌ها که محل عبور و مرور و کنترل و نگهبانی محسوب می‌شدند، در بدنه جنوبی نزدیک به دروازه ناصریه بخشی از ساختمان میدان به تلگرافخانه تخصیص یافته بود. بخش اعظم بدنه شرقی نیز در اختیار بانک شاهی و باغ همجوار آن قرار داشت. در بدنه شمالی در کنار دروازه لاله زار، اداره پستخانه مبارکه و بعدها در میانه بدنه اداره بلدیه مستقر شدند و در ضلع غربی در کنار دروازه قورخانه، اداره نظمییه اسکان یافت. در بعضی منابع اشاره شده است که اداره احصاییه^{۲۸} هم در میدان توپخانه مستقر بوده که موقعیت و وضعیت آن روشن نیست و ظاهراً نه در ابنیه حاشیه میدان، بلکه به صورت دهکده‌ای در میانه میدان جای داشته است (محمدزاده مهر،

و انتظام فضایی آن، دو نکته دیگر را گوشزد می نماید: نخست آنکه در نمای بدنه شرقی میدان طبقه دوم بر خلاف سه نمای دیگر دارای عقب نشینی نسبت به طبقه پایین نبوده است. دوم آنکه هر یک از سردرهایی که به خیابان های وسیع اطراف راه داشتند، ارتباطی برون گرا برای میدان ایجاد می کردند (محمدزاده مهر، ۱۳۸۱: ۳۲). او همچنین تصدیق می کند که تنوع در جداره این میدان نسبت به میدان شاه تهران افزایش یافته است. به اعتقاد او علت این افزایش تنوع در درجه نخست، شش دروازه خیابان های منتهی به میدان و در درجه بعد، تفاوت نمای جداره شرقی میدان با سایر جبهه های آن است (محمدزاده مهر، ۱۳۸۱: ۳۷). علاوه بر آن محمدزاده مهر معتقد است این میدان در مرز میان شهر کهنه و شهر نویی که گسترش آن در زمان ناصرالدین شاه اتفاق افتاد، بنا شده بود (محمدزاده مهر، ۱۳۸۱: ۳۲). بنابراین میدان در شهر جدید، نقشی نوینی را عهده دار شد. علاوه بر آن که این میدان در مرز میان شهر قدیم و جدید قرار گرفت، اما در عین حال گسترش شهر تنها از این مکان اتفاق نمی افتاد. بلکه این میدان به عنوان مرکزی طراحی شده بود که وظیفه مهم آن اتصال خیابان های مختلفی بود که در گسترش تهران نقش مهمی داشتند.

تحلیل ویژگی های میدان در پایتخت های صفوی و قاجاری

در مورد میدان های قزوین، بسیاری از وجوه پنهان هستند. این که اصولاً چه نیازی به حضور دو میدان در جعفرآباد بوده است و چگونگی ارتباط این میدان ها با سایر بخش های دولت خانه و جهت آن ها از وجوهی است که نیاز به انجام مطالعات وسیع تری دارد. میدان های اسب و سعادت قزوین میدان هایی محصور بودند. این نکته را شرح دلاواله و شاردن تأیید می کند. علی رغم وجود نکات مبهم فراوان در خصوص میدان های دولت خانه قزوین، طبق گفته دلاواله و شاردن، این دو میدان

شبهت ساختاری زیادی به میدان نقش جهان اصفهان داشتند. میدان نقش جهان اصفهان از تناسبات سه به یک پیروی می کند و همانند میدان های قزوین محصور طراحی شده است.

برای تحلیل کالبدی میدان ارگ، باید به یاد آورد که این میدان که بخشی از ارگ سلطنتی بوده است، پیش از دوره قاجار طراحی شده بود. بنابراین به لحاظ تشابه هندسی جداره ها و محصوریت فضای میدان، شبهت زیادی با میدان های صفوی داشته است. هرچند که به لحاظ انتظام فضایی و تناسبات، این میدان ها با میدان های طراحی شده در دوره صفویه قابل قیاس نیستند. میدان ارگ در ابتدای حکومت قاجار فضایی محصور بود که جداره آن با طاق نماهایی هم شکل و یک طبقه، احاطه شده بود و از تناسبات دو به یک پیروی می کرد.

تحلیل کالبدی جداره میدان ها

انتظام فضایی میدان های صفوی در قزوین و اصفهان، به سبب جداره های متحدالشکلی ایجاد می شد که در جبهه های گوناگون با جای دادن یکی از ساختمان های مهم در بدنه میدان، تنوع بصری در آن ها پدید می آمد. پیش از این به وجود قصرهایی در بدنه های شرقی و غربی میدان سعادت و نیز مطابق با اشاره عبدی بیگ به احداث قصر جهان نما در حاشیه میدان اسب توسط شاه طهماسب اشاره شد.

همانند میدان های قزوین، در اصفهان نیز قصر پنج طبقه عالی قاپو در بدنه غربی میدان جای داده شده بود که مقر رکن اصلی حکومت یعنی شاه بود. طراحی میدان هایی با بدنه های هم شکل، سبب القای حس پیوستگی، تشابه و نظم به بیننده می شود. میدان یکی از عمومی ترین و با اهمیت ترین پهنه های شهری اصفهان محسوب می شد. همین عمومی بودن میدان آن را مناسب می ساخت تا شاه به بیشترین میزان ممکن آنچه از اقتدار حکومت صفویه مد نظر داشت را

به نمایش بگذارد. بنابراین میدان باید فضایی برای مکث و مشاهده می بود تا مکانی برای عبور و حرکت سریع. او بدین منظور میدان را فضایی وسیع، محصور، منظم، و متوازن و پیوسته همراه با تزئینات عالی و هنرمندانه طرح ریزی کرد که از میدان سعادت قزوین هم بزرگ تر و هم بلندمرتبه تر بود. در واقع میدان نقش جهان اصفهان، تکمیل شده میدان های اسب و سعادت قزوین است. ارزش هایی که زیبایی میدان توسط آن ها نمایان می شد به کمک معماری و عناصر طبیعی ایجاد شدند. ایجاد جداره ای سه لایه برای میدان علاوه بر تنوع بصری، سبب ایجاد توازن در طراحی می شد. ضمن آنکه حضور درخت و جوی آب سبب ایجاد شرایط مطلوب تر در محیط میدان می شد. در نخستین لایه شاه عباس دست به طراحی جداره ای دو طبقه زد که تشابه و تکرار طرح طاق نماها در هر دو طبقه در کنار محصوریت آن سبب پیوستگی طرح می شد. در همین لایه، برخی کارکردهای مورد نظر خود را به شکلی بسیار زیبا و هنرمندانه طراحی کرد. حضور این ساختمان ها در هر چهار بدنه میدان، بدون انقطاع پیوستگی آن، ضمن ایجاد تنوع، توجه به جنبه های هنرمندانه و زیبایی در طراحی میدان را آشکار می کند. در لایه ای دیگر وی با طراحی جوی آبی در حاشیه میدان، ضمن تقویت حس پیوستگی، عنصری طبیعی یعنی آب را به صورتی طراحی شده وارد میدان کرد. طرح میدان با سومین لایه، یعنی لایه ای از درختان چنار به عنوان عناصری طبیعی تکمیل می شد. این لایه، ضمن ایجاد تنوع بصری در نما با استفاده از شکلی طبیعی و در عین حال شفاف در پیش زمینه عناصر معمارانه، به همراه عنصر آب، سبب مطبوعیت آب و هوایی در میدان می شد. طرح کم رنگ تری از این ساختار سه لایه مطابق با شرح دلالوا در میدان سعادت قزوین هم وجود داشت.

تکرار الگوهای مشابه در جداره ها در میدان های توپخانه جدید و قدیم تهران نیز وجود داشت. همان گونه که اشاره شد، طاق نماهای مشابه در جداره میدان

ارگ تهران ساخته شده بودند با این تفاوت که تنها ساختمان حائز اهمیت که در جداره شمالی قرار داشت، ارگ سلطنتی بود که محل حضور شاه و خانواده او محسوب می شد. ساختمان های مذهبی ضلع شرقی که ابتدا در بدنه طراحی شده بودند، با طراحی تکیه دولت نه در جداره بلکه توسط جلوخانی به میدان متصل می شدند (تصویر ۶). پس از اصلاحات ۱۲۶۷، ۱۲۷۱ و ۱۲۸۱ ق - چنانچه پیش از این ذکر شد - پیوستگی جداره ها توسط گشودگی هایی در شمال و شرق آن از بین رفت. در میدان توپخانه جدید، طراحی بدنه ها به میزان زیادی متفاوت بود. با وجود آنکه این میدان نیز به صورت محصور طراحی شده بود، اولاً بدنه های آن به ویژه در جبهه شرقی دارای نمایی متفاوت بود. در ثانی، گذشته از ساختمان هایی با کارکرد تشکیلاتی - اداری، شش سردر در این میدان طراحی شده بودند که هر یک از آن ها به مثابه دروازه ای برای ورود به خیابان های اصلی شهر بودند. به نظر می رسد با انتقال میدان توپخانه به محل جدید آن، رفته رفته تغییرات کالبدی زیادی در میدان اتفاق افتاد. در میدان قدیم، بخش حکومتی در شمال میدان، عنصر مذهبی در شرق آن و بازار به میدان نزدیک تر بودند. اما میدان جدید از سه عنصر مذهب و حکومت و اقتصاد دورتر شد. در حالی که در طراحی های زمان صفویه این عناصر در جداره میدان قرار داشتند. تغییر در انتظام فضایی نیز که از میدان ارگ قدیم آغاز شده بود، با عدم تشابه کامل جداره ها در میدان توپخانه جدید ادامه یافت. شکل میدان دارای انتظام فضایی بود اما در جداره آن ساختمان های اداری متحدالشکل احداث شدند. نقاط عطف این فضای محصور به جای مراکز اقتصادی و مذهبی و دفتر کار شاه، دروازه هایی بودند که اضلاع گوناگون میدان را هر یک به خیابانی متصل می ساخت، که این راه ها عامل اتصال مرکز شهر با نقاطی در خارج از حصار شهر بودند و به عبارت دیگر عامل گسترش شهر به سمت خارج بودند.

تحلیل کارکردی جداره میدان‌ها

در قزوین، جداره‌های متحدالشکل را عموماً دکان‌هایی تشکیل می‌دادند که دارای وجه مهم اقتصادی بودند. حضور مسجد جامع در نزدیکی محلی که پیش از آن میدان سعادت وجود داشت، نشان از توجه به طراحی کارکردهای مذهبی در حاشیه میدان دارد. هرچند که این مسئله نیاز به مطالعات بیش‌تری دارد. از سوی دیگر حضور قصرهایی در جداره هر دو میدان، نشان از تلاش برای نمایش اقتدار سیاسی در فضایی عمومی داشت. در میدان نقش جهان اصفهان نیز، طبقه پایین جداره‌های میدان به کارکرد اقتصادی یعنی بازار اختصاص یافت. این بازار جدیدالاحداث از سوی شمال و از طریق سردر قیصریه با بازار پیش از دوره صفوی پیوند می‌یافت. علاوه بر آن مطابق با آنچه اسکندریگ منشی شرح می‌دهد، با احداث بدنه‌هایی دوطبقه، شاه عباس طبقه بالای میدان را به کارکردی نظامی اختصاص داد؛ این مکان عموماً محل استقرار سربازها بود. از سوی دیگر احداث دو مسجد عالی در بدنه‌های جنوبی و شرقی میدان، حکایت از توجه حکومت شیعه صفوی به تجمیع کارکردهای مذهبی در کنار عالی قاپو به عنوان نماد قدرت سیاسی و بازار به عنوان نماد اقتدار اقتصادی دارد. میدان نقش جهان به گونه‌ای طراحی شده بود که پاسخگوی اهداف دولت صفوی باشد. بنابراین ارزش‌های مذهبی، فرهنگی، رفاهی، اجتماعی، و اقتصادی در قالب طرح‌های شهری در آن تجمع یافتند. کارکردهای بدنه میدان ارگ تهران، مهم‌ترین وجه افتراق این میدان با میدان‌های قزوین و اصفهان است. در این میدان تنها در ضلع شمالی، ارگ سلطنتی به عنوان نماد حضور و اقتدار حکومت وجود داشت. کاربری‌های مذهبی و اقتصادی نظیر مسجد و بازار علی‌رغم نزدیکی به میدان در جداره آن طراحی نشده بودند.^{۳۰} زیرا این مکان از وجه نمایشی میدان در

دوره صفویه برخوردار نبود. با این وجود همانند میدان‌های صفوی دارای ساختاری پیوسته و هم‌شکل بود که حضور سردر ارگ سلطنتی در بدنه شمالی به آن تنوع می‌بخشید. بدنه‌های هم‌شکل، طاق‌نماهایی بودند که محل استقرار سربازان در مراسم خاص به شمار می‌رفتند. علاوه بر آن این میدان در نقطه‌ای از شهر طراحی شده بود که همانند میدان نقش جهان امکان دسترسی سریع به خیابان‌های اصلی وجود نداشته باشد، این موضوع سبب تقویت وجه تفرجگاهی میدان می‌شد و آن را از مکانی برای عبور و مرور سریع به مکانی برای مکث و مشاهده تبدیل می‌کرد.

طراحی بناهایی نظیر تلگرافخانه، پستخانه و... به عنوان بدنه میدان توپخانه جدید گویای این نکته است که جنبه‌های عمومی میدان توپخانه جدید پیش از میدان ارگ بوده است. در عین حال بخشی شامل ادارات دولتی در بدنه‌های میدان قرار داده شدند. نقاط عطف در اینجا همان سردرهایی بودند که علاوه بر محصور نمودن میدان، در بدنه آنها ایجاد تنوع می‌کردند. بنابراین کارکرد میدان به عنوان مکانی که در آن ارزش‌های سیاسی، اقتصادی، و مذهبی رفته رفته کم‌تر می‌شدند، به مکانی اداری‌تر و عمومی‌تر تبدیل شد.

تحلیل کالبدی صحن میدان‌ها

صحن یا فضای میانی میدان نقش جهان، عاری از عناصری همچون درخت یا حوض بود. در عوض میدان واجد کفی سنگ فرش و طراحی شده بود که پیرامون آن را حوض، ردیف درختان، و جداره‌ها احاطه می‌کرد. مطابق با توصیف‌ها، میدان‌های قزوین نیز از چنین ساختاری در کف و بدنه‌ها برخوردار بودند. در واقع صحن میدان نیز به اندازه جداره‌ها در تعریف فضای میدان نقش داشت. صحن میدان، مکانی برای بسیاری از اهداف مد نظر دولت صفویه بود؛ علت طراحی خاص آن نیز



تصویر ۱۰. میدان توپخانه در دوره ناصرالدین شاه، سوربوگین عکاس گرجی (مأخذ: ذکاء و سمسار، ۱۳۷۶: ۷۸). میدان توپخانه در دوره مظفرالدین شاه، ویلیامز جکسون (مأخذ: همان، ۱۳۷۶: ۷۷).

ختم نمی‌شد. او با برگزاری مراسم گوناگون در عرصه وسیع و مزین به سنگ‌فرش میانه میدان که خود، درباریان، فرستادگانی از سایر کشورها، و مردم عادی در آن حضور داشتند، میدان را تبدیل به فضایی عمومی، مفرح، و نمایشی می‌کرد که می‌توانست از طریق آن سیاست‌های خود را تعقیب کند. مراسمی که در میدان برگزار می‌شد، عبارت بودند از آتشبازی و چراغانی و شعبده‌بازی به مناسبت جشن‌های ایران باستان یا حضور افرادی که مورد توجه شاه بودند، در کنار برپایی مراسم مذهبی محرم که یکی از اصلی‌ترین تکیه‌گاه‌های دولت صفوی به عنوان حکومتی شیعه بود و نیز برگزاری و شرکت در برخی فعالیت‌های ورزشی - تفریحی مانند مسابقات چوگان و قیق اندازی. علاوه بر آن میدان مکانی بود که شاه عباس با حضور در آن به طور مستقیم با مردم ارتباط برقرار می‌کرد و وضعیت اجتماعی و معیشتی آنها را مورد بررسی قرار می‌داد. بنابراین علاوه بر ارزش‌هایی که ذکر آنها رفت، میدان فضایی بود که در آن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی توسط شاه دنبال می‌شد. وضعیت میدان نقش جهان در زمان دیگر شاهان صفوی نیز تغییر چندانی نکرد. صحن میدان در این دوره با حضور فروشندگان و صاحبان مشاغل در آن در کنار جداره آن که بازار قیصریه وجود داشت، تبدیل به مرکزی مهم برای انجام فعالیت‌های اقتصادی شد. بنابراین کارکرد مهم دیگر صحن میدان اقتصادی بود. بنا بر مستندات

همین بوده است. در مقایسه با میدان‌های دوره صفویه به‌ویژه میدان نقش جهان در اصفهان، میدان ارگ تهران کوچک بود. در میانه میدان به جز سکویی که جایگاه توپ بود، چیز دیگری وجود نداشت. کف خاکی میدان در مقایسه با کف سنگ‌فرش شده میدان نقش جهان، حکایت از نوع دیدگاه و نظام حکومتی در دو دوره صفویه و قاجار دارد. صحن میدان ارگ عاری از مستحذاتی چون حوض بود، اما به مرور در زمان ناصرالدین شاه این رویکرد تغییر پیدا کرد. او برای هرچه خلوت‌تر کردن میدان از مردم عادی و خصوصی‌تر کردن آن، میدان را به صورت باغی طراحی کرد که در وسط آن باغچه‌ها و استخر بزرگی قرار داشتند. در صحن میدان توپخانه جدید نیز استخری وسیع طراحی شده بود. عکس‌های سوربوگین^{۳۱} و ویلیامز جکسون^{۳۲} (تصویر ۱۰)، استخری وسیع را در وسط این میدان نشان می‌دهد که در اطراف آن نرده‌هایی تعبیه شده است و اطراف نرده‌ها را باغچه‌هایی فراگرفته است. حضور استخر و باغچه‌ها در میانه میدان به جای جوی آب و درختان حاشیه میدان‌های صفوی، نشان از آن دارد که کارکردهای میدان در این دوره و نگاه به نقش نمایشی آن تغییر یافته است.

تحلیل کارکردی صحن میدان‌ها

شاه عباس از طریق ارزش‌های زیبایی‌شناختی، مذهبی، امنیتی، و اقتصادی، میدان را به فضایی برای نمایش قدرت

تاریخی، مشابه مراسم نقش جهان در صحن میدان های قزوین نیز برگزار می شد و از جهات کارکردی نیز میدان های قزوین و اصفهان تشابه زیادی با یکدیگر داشتند. با وجود برخی مراسم تشریفاتی و نیز رژه سربازان و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی در مقیاس محدود، نقش نمایی میدان ارگ تهران و نظام مندی کارکردی آن در مقایسه با میدان های صفوی، کاهش یافت. میدان در آن دوره مکانی بود که انجام فعالیت های نظامی و رفت و آمدها و مراسم سلطنتی در آن انجام می شد. با تغییر طرح میدان ارگ، در واقع بیش تر کارکردهای عمومی آن از میان رفت و میدان به صورت ورودی ارگ سلطنتی، جنبه ای بسیار خصوصی یافت. بنابراین نگاه به کارکرد میدان تغییر پیدا کرد. در واقع ناصرالدین شاه تلاش زیادی برای حضور در میدان به منظور تماس با مردم و یا نمایش اقتدار سیاسی خود نداشت.

مشابه با میدان ارگ در میانه میدان توپخانه جدید استخری طراحی شد که این طرح حکایت از آن دارد که سهم برگزاری ورزش های دسته جمعی، نمایش ها، و مراسم وسیع در میدان کاهش می یابد و جای خود را به برگزاری نمایش های خیابانی در مقیاس کوچک می دهد. در اینجا عناصر طبیعی همچون درخت و آب در بدنه میدان قرار نمی گیرند، بلکه در وسط آن وجود دارند. زیرا بنا نیست کمک چندان به معماری حاشیه میدان کنند. با کم رنگ تر شدن برخی کارکردها از جمله کارکردهای نمایشی و مذهبی و از همه مهم تر اقتصادی، میدان رفته رفته به جای فضایی برای مکث و حضور مستمر به فضایی برای عبور سریع تر و توقف کم تر تبدیل شد. دیگر میدان مکانی برای انجام برخی فعالیت ها همچون ورزش ها و بازی های شاهانه همچون چوگان و قیق اندازی نبود، بلکه به صورت مکانی عمومی طراحی شده بود که مطابق با نیاز جامعه به حرکت و دسترسی سریع به عنوان نقطه ای که خیابان های مختلف شهر را به هم می رساند.

نتیجه گیری

در قزوین دو میدان وجود داشت. این دو فضا که یکی در بخش جنوبی عالی قاپو و دیگری در بخش غربی مجموعه باغ های سعادت قرار داشت، بخشی طراحی شده بودند که به فعالیت های گوناگون اختصاص داشتند و مشابه اصفهان دارای طاق نماهایی منتها در یک طبقه بود که میدان را محصور می کرد. این میدان ها بیش تر به فعالیت های رسمی از جمله برگزاری مراسم دربار اختصاص داشت و مردم عادی نیز حق حضور در آن را نداشتند. شاه عباس کبیر میدان نقش جهان اصفهان را با وسعت و ارتفاع بیش تری احداث کرد و کارکردهای مذهبی را نیز در جداره آن قرار داد.

عملکرد اقتصادی میدان در دوره شاه عباس در اصفهان توسعه بسیار زیادی پیدا کرد و علاوه بر آنکه با بازار قدیم شهر سلجوقی پیوند یافت، تمام حاشیه میدان نیز بازاری انتظام یافته احداث شد و عرصه میدان نیز در روزهای عادی دارای کارکرد اقتصادی سازمان یافته ای بود. میدان های قزوین نیز دارای جنبه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بودند اما این ابعاد در میدان نقش جهان توسعه پیدا کرد و نظم بیش تری گرفت. هر دو میدان محصور بودند و دارای طاقنماهایی که کارکردهایی را شامل می شد. این کارکردها در قزوین نیز همانند اصفهان جنبه اقتصادی داشت.

در اصفهان نیز طبقه پایین میدان به کارکردهای اقتصادی اختصاص یافته بود و در طبقه دوم سربازان صفوی حضور می یافتند. بنابراین کارکرد امنیتی - سیاسی داشت. در هر دو میدان، بخشی از جداره به حضور شاه به عنوان سمبلی از اقتدار خاندان صفوی اختصاص می یافت که می باید همگان آن را درمی یافتند. این امر در قزوین با وجود سردر عالی قاپو در حاشیه شمالی میدان اسب و مجموعه کاخ های جهان نما در حاشیه میدان سعادت، و در اصفهان با وجود سردر و بنای عالی قاپو محقق شد. با مشاهده الگوی میدان در دوره صفویه درمی یابیم که

احداث میدان نقش جهان در اصفهان از الگویی تبعیت می کرد که شاه طهماسب در قزوین برای احداث میدان در نظر گرفته بود. این میدان ها دارای وجوه مشترک فراوانی بودند. تنها مقیاس ها در اصفهان بزرگ تر شد و برخی کارکردها به جداره میدان افزوده شد.

در تهران میدان ارگ، دست کم به لحاظ الگوی ظاهری تشابه زیادی با الگوهای طراحی میدان در دوره صفویه داشته است، لذا این میدان دارای مقیاسی بسیار کوچک تر از میدان نقش جهان اصفهان بود و انتظام فضایی موجود در آن را نیز نداشت. همانند نقش جهان و میدان های سعادت و اسب این میدان نیز محصور بود و عرصه ای برای انجام فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و نیز مقر حکومت بود. به لحاظ کالبدی نیز در نقشه کرشیش به سال ۱۲۷۵ ق شباهت زیادی میان میدان ارگ و میدان اسب و میدان نقش جهان مشاهده می شود. میدان ارگ پیش از حضور قاجارها وجود داشت و از زمان شاه طهماسب به یادگار مانده بود.

شباهت کالبدی میدان ارگ با میدان های دوره صفویه که شامل فضایی وسیع که برای سکون و تماشا و نیز انجام برخی مراسم طراحی شده بودند، با به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه کم تر شد. او صحن میدان را تبدیل به فضایی باغ مانند کرد و بسیاری از کاربری ها را به میدانی در شمال ارگ سلطنتی یعنی میدان توپخانه انتقال داد. میدان توپخانه با وجود محصوریت، شباهت چندانی با میدان های قبلی نداشت و به صورت میدانی با دروازه های بسیار که هر یک از آنها به خیابانی راه می یافت، به صورت فضایی برای حرکت و نه مکث و تماشا طراحی شد.

گذشته از این در همین دوره میدان مشق به عنوان فضایی برای مشق نظامی سربازان در تهران در نظر گرفته شد و محدوده انتهایی خیابان ناصریه که از ایوان شمس العماره قابل رؤیت بود، به مکانی برای برخی مراسم تفریحی از جمله آتش بازی و بندبازی که شاه

نیز می توانست آن را تماشا کند، اختصاص یافت. بنابراین رفته رفته میدان از فضایی دارای وجوه نمایشی قدرت اداره کنندگان حکومت، که در آن ارزش های نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و مذهبی تجمع می یافت به چند میدان با کارکردهای گوناگون در دوره قاجار تبدیل شد. تغییرات رخ داده از زمان ناصرالدین شاه قاجار در خصوص میدان، به عنوان یک مکان پراهمیت شهری، حکایت از تغییر در نوع نگاه جامعه به فضاهای اجتماعی این چنین دارد. تا پیش از این دوره، طراحی میدان، مشابه با سبک و سیاق صفوی ها و دنباله رو همان طرح بود. در زمان ناصرالدین شاه علاوه بر طراحی میدان های جدیدی با ظاهری متفاوت، کارکرد این میدان ها رفته رفته تخصصی شد. از سوی دیگر نوع طراحی میدانی همچون توپ خانه جدید، آن را به مکانی برای ارتباط خیابان های مهم شهری تبدیل می کرد و از نقش تفرجگاهی و سکون آن می کاست. طراحی میدان با نقاط عطفی که هر کدام از آن ها سردرهایی در مدخل خیابان های اصلی شهر بودند، در دوره های بعدی امکان حذف آنها و در واقع تبدیل میدان به فضایی غیر محصور را فراهم کرد. شایسته است به این نکته اشاره شود که طراحی میدان به عنوان یک عنصر شهری و در ارتباط با آن، به طرح آن شهر و چگونگی توسعه آن نیز بستگی دارد. پلان شهر های جعفرآباد در جنب قزوین و اصفهان صفوی، پلانی از پیش طراحی شده بود که در آن، حدود توسعه و نحوه ارتباط عناصر گوناگون شهری با یکدیگر مشخص شده بود. در این طرح ها با توجه به کارکرد هر عنصر و هدفی که در پس طراحی آن وجود داشت، شکل، اندازه و نحوه ارتباط آن با سایر عناصر شهری مشخص می شد. بنابراین میدان به عنوان فضای نمایشی ای قوی در دوره صفویه، ارتباط مستقیم با فضاهایی داشت که به بیشترین میزان امکان مکث و مشاهده در آن ها فراهم بود. برعکس دوره صفویه، تهران قاجاری شهری بود که دارای توسعه ای چندقطبی و چندنقطه ای بود. این نوع از

توسعه ایجاب می کرد تا فضاهای عمومی همچون میدان، به بیشترین میزان با فضاهای عبوری همچون خیابان های مهم شهری ارتباط برقرار سازد. این امر در توسعه تهران در نیمه حکومت ناصرالدین شاه با طراحی میدان توپخانه جدید محقق شد. تغییر در طراحی میدان در زمان ناصرالدین شاه قاجار می تواند ناشی از تغییر ارزش های اجتماعی در این دوره نیز باشد. نیاز جامعه به تحرک و پویایی بیش تر می تواند از آثار این تغییر رویکرد باشد. اما مشخص نیست که تغییرات کالبدی سبب ایجاد کارکردهای متفاوت در میدان شدند یا بالعکس. این موضوع می تواند در مقاله ای جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد.

پا نوشت:

۱. شهشه شهری اندر جنب قزوین / فکنده طرح با صد زیب و آیین
بنام شهر عالی جعفر آباد / که شاه جعفری افکنده بنیاد بدین نام نکو معمور گشته / به دارالسلطنه مشهور گشته
تعالی الله زهی شهر نو آیین / به ریب رشک صورت خانه چین (نک: نویدی شیرازی (۲)، ۱۹۷۴: ۹۸-۱۰۱).
۲. برای اطلاعات بیش تر نک: نویدی شیرازی (۲)، ۱۹۷۴: ۱۱۳.
۳. Pietro Della Valle
۴. Jean Chardin
۵. «زیباترین مکان هایی که در این شهر می توان دید اسپرس اسب دوانی است که به میدان شاه معروف است، طول این میدان به هفتصد و عرض آن به دویست و پنجاه پا می رسد و ساختمان آن مانند میدان شاه اصفهان است» (شاردن، ۱۳۴۵: ۳۵).
۶. Engelbert Kaempfer
۷. دبیرسیاقی میدان اسب و سعادت را یکی می داند (نک: دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۳۹۵).
۸. «برای آمدن شاه به قزوین، شبها میدان بزرگ شهر را چراغانی می کردند. میدان مزبور یک قدری از قصر سلطنتی دور و نزدیک محله بازار است. در حقیقت از میدان بزرگ اصفهان، کوچک تر ولی از حیث زیبایی کم تر از آن نیست. مثل میدان اصفهان تقریباً طولش سه برابر بیش تر از عرضش می باشد و به نظر من با این طول و عرض برای چوگان بازی ساخته شده زیرا در دو طرف به فاصله معین ستون های

سنگی نصب شده است. خانه های اطراف میدان به سبک قدیم بنا شده و چندان دلپذیر نیست ولی در دو طرف میدان در وسط دو قصر سلطنتی خیلی زیبا با ایوان های قشنگ ساخته شده یکی با پنجره های زنبوری مخصوص حرم و دیگری برای تماشا و ملاقات های پادشاه است و در عقب هر یک از این عمارت ها باغات بزرگ احداث شده است. عیب میدان قزوین این است که دیوارهای اطرافش خیلی کوتاه است و نمی توان در سایه آن ها از آفتاب سوزان پناه برد. از این جهت فقط عصرها مردم برای گردش به میدان می آیند و تا مدت زیادی از شب مشغول تفریح و گردش می باشند. به تازگی دور میدان درخت کاشته اند که هنوز سایه افکن نشده. از نهر تا پای درخت ها همیشه آب جاری ست و در دو طرف نهر نرده چوبی نصب کردند که در موقع گل کاری کنند. بهترین موقع برای ملاقات شاه اوایل شب در میدان است. پیش از ورود شاه مردم شهر در میدان گردش می کنند. هنگام آمدن شاه پیاده ها از سطح میدان بیرون می روند و یا در پشت پرده ها و یا بالای بام های مشرف به میدان توقف می کنند. ولی اشخاص سواره درون میدان وصل به میدان صف می کشند. به این ترتیب میدان برای ورود شاه خلوت می شود... شاه زیاد در یک نقطه توقف نمی کند. بدوا به وسط میدان می رود و سواره بازی می کند یا یکی از بزرگان صحبت می کند ... دور میدان و بالای بام ها، زن ها برای تماشای چوگان بازی دسته دسته می ایستند» (دلواله، ۱۳۴۸: ۲۹۰-۲۹۱).

۹. «... چون خاطر خطیر شهیار کشورگیر از مهمات گیلان فراغت یافت چند روزی در دارالسلطنه قزوین لوای عیش و عشرت برافراشته حکم قضا مضا بنفاد پیوست که میدان سعادت آباد را آذین بسته چراغان کنند و الیان بیک بساؤل صحبت قاجار بدین خدمت مأمور شد و دکاکین اطراف میدان بر امراء و ارکان دولت قاهره و یوزباشیان و قورچیان و ملازمان درگاه و مردم شهر و اردوبازار تقسیم یافت و حکم شد که هر کس دکانی را رسد اوست دوازده ذرع پیش آورد، چوبها و ستونها استوار کرده چهارطاقها در میانه هر مرتبه از مراتب که پیش آمده نصب نمایند و روی آنها را چراغها تعبیه کرده فانوس ها آویزند چنانچه در هر دکانی زیاده از یک هزار چراغ و فانوس تعبیه شود... مجملأ اطراف میدان سعادت آباد قزوین از صفای آذین بندی و کثرت شمع و چراغ رشک سپهر برین گشته حضرت اعلی چند شبانه روز در آن مکان طرب انگیز و عمارات جهان نما که در جانب شرقی و غربی میدان احداث کرده شهیار جهان است بسر برده اوقات شریف بعیش و شادکامی و چوگان بازی و قبیق اندازی می گذرانیدند...».

۱۰. در دوران صفویه، میدان و خیابان به گونه ای طراحی می

شدند که خود در حکم باغ شاهی بودند (عالمی، ۱۳۸۷: ۵۰).
۱۱. «... آنچه در صفاهان جنت نشان احداث فرموده اند، اولاً در شهر مسجد جامع عالی واقع در جانب جنوبی میدان نقش جهان که طاق مقصوره اش نشانی از گنبد هرمان و با طاق نه فلک توأمان است و آن مقدار سنگ های مرمر که در جدار آن ثانی بیست المعمور به کار رفته سیاحت عرصه گیتی کم تر نشان داده اند، مجماً آن معبد فردوس نما در زیب و زینت و دلگشایی رشک مسجد اقصی است و مسجد دیگر در برابر درگاه دولتخانه در غایت زینت و صفا و مدرسه و دارالشفاء و حمامات و بازار گاه دور میدان مع بالاخانه ها و کاروانسراهای عالی و درگاه پنج طبقه دولتخانه و خلوت خانه های زرنگار موسوم بسروستان و نگارستان و گلدسته...» (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۴۸: ۱۱۱۰-۱۱۱۱).

۱۲. «این میدان یکی از زیباترین میادین جهانست. هیئت میدان به شکل مربع مستطیل به درازای چهارصد و چهل پا و پهنای صد و شصت پاست. میدان محصور با آبراهه ای است که از آجر اندود با گچی ساخته شده است و ایرانیان آن را آهک سیاه می نامند که سخت تر از سنگ است. پهنای این آبراهه شش گام و ازاره های آن از سنگ سیاه درخشانی است که به قدر یک گام بلندتر از سطح زمین تعبیه شده است و چنان عریض می باشد که چهار تن آدمی به سهولت می توانند در کنار یکدیگر روی آن گردش کنند. میان این آبراهه و خانه هایی که میدان مربوط به آنهاست، یک فضایی به پهنای بیست گام موجود است که به یک ازاره سنگی به بلندی آبراهه ولی نه چندان عریض، منتهی گشته است که پایین خانه ها را متمایز می سازد. گرداگرد میدان دارای دویست خانه است که همه شان هم طراز و همسان و همگی به یک سبک و شیوه ساختمان می باشند و کاملاً منظم است، هر خانه ای دارای رویه ای به قدر شانزده گام شاهی و مضاعف است. پایین دو دکان دارد که یکی به سوی میدان و دیگری به طرف بازار است که گرداگرد میدان شاه را از خارج گرفته و یکی از بازارهای پهناور اصفهان به شمار می رود. بالا دارای چهار ایوان کوچک می باشد؛ دو به سوی میدان دوی دیگر به طرف عقب. این خانه های گرداگرد میدان شاه به وسیله عمارات عالی ای میان بر شده است: در کاخ شاهی، در حرمسرا در باختر، مسجد صدر در روبه رو (در خاور) و یک کلاه فرنگی ماشین آلات که ساعت سازی نامیده می شود، مسجد شاه در انتهای جنوبی میدان و بازار شاه در انتهای دیگر (شمال). میدان شاه دارای دوازده مدخل عمده و چند ورودی خرده است».

۱۳. «دور تا دور این میدان را ساختمان های مساوی و موزون و زیبا فرا گرفته که سلسله آن ها در هیچ نقطه ای قطع نشده است. درب ها همه بزرگ و دکان ها هم سطح خیابان هستند

و بالای آن ها ایوان ها و پنجره ها و هزاران تزیینات مختلف منظر زیبایی به وجود آورده است. این حفظ تناسب باعث تجلی بیش تر زیبایی میدان می شود و...».

۱۴. «دور تا دور میدان در نزدیکی دکان ها نهر پر آبی جاری است که در وسط آن سنگ هایی برای رفت و آمد پیاده ها قرار داده اند و بین این نهر و دکان ها به خط مستقیم درخت های پر شاخ و برگ و یکسان کاشته اند که چند وقت دیگر وقتی برگ های آنها بروید به نظرم قشنگ ترین منظره عالم را تشکیل خواهند داد. وسط تمام میدان با سنگ های ریز فرش شده و برای دویدن یا اسب سواری موقعیتی از آن بهتر وجود ندارد».

۱۵. برای اطلاعات بیش تر نک: بل، سایمون. (۱۳۸۶) منظر، ادراک، الگو و فرآیند. ترجمه دکتر بهناز امین زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ص ۳۰-۳۳.

۱۶. Jean Calmard

۱۷. «در آخر باید به مراسم سوگواری شیعیان نظر افکنیم. تحت فرمان شاه عباس، مراسم سوگواری محرم برای شهادت امام حسین (ع) به مراسمی بزرگ تبدیل شد که جنبه های مدنی و مذهبی را توأمان دارا بود. صحنه اصلی این مراسم میدان بود که از عمارت سردر عالی قاپو قابل رؤیت بود. شاه عباس که ملازمان و عالمان دینی او را فرا گرفته بودند، می توانست در هنگام تماشا مراسم شیعی، خود را به رعایایش نشان دهد. به هنگام مراسم مذهبی، موسیقی ای که به این منظور در نقاره خانه بالای سردر بازار می نواختند بر جلوه نشانه های نظامی و مراسم رزمی می افزود. میدان های شهرهای مختلفی که شاه عباس در آن ها اقامت داشت، مهم ترین صحنه های مراسم شیعی بود» (عالمی، ۱۳۸۷: ۶۱).

۱۸. وحید قزوینی این شخص را با عنوان خان سلطنت پناه نام می برد و توضیح بیش تری در خصوص سمت احتمالی و یا قرابت او با شاه ارائه نمی کند (برای اطلاعات بیش تر نک: قزوینی، محمدطاهر. (۱۳۲۹). عباسنامه یا شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی (۱۰۷۳-۱۰۵۲). به تصحیح ابراهیم دهگان. اراک: کتابفروشی داوودی.

۱۹. «...و فرمان همیون بنفاد پیوست که طوایف امم و اصناف بنی آدم از سادات فضلا و سپاهی و رعایا و اهل اصول و نعمات و ارباب معارک فوج فوج باستقبال خان مزبور شتافته ابواب عیش و طرب بر روی آن خان گرامی نسب مفتوح سازند و تهیه چراغان اطراف میدان نقش جهان نموده آتشبازان اشکال و تئاتیل ترتیب نمایند که در هنگامی که مقرر شود هر یک اعجوبه کاری خود را در آن امر به منصفه ظهور رسانند».

۲۰. «چشم بد دور که نوعروس صفهان را هر هفت تمامی حاصل و پیرایه امتیاز و بی مثلی کامل است چون شاهدان

شاهنامه فردوسی مبارزه می‌کنند» (Keppel: 1827).

۲۶. پیرامون میدان دیواری است با برج‌های چندی که محل توپ‌ها یا اطاق‌های استراحت سربازان است و در وسط این میدان یک سکویی دیده می‌شود که از سطح زمین یک متر ارتفاع دارد و در روی آن تویی مستقر می‌باشد که علت برقرار شدن آن مجهول است. من روزی هنگام عبور از میدان مردی را دیدم که در زیر پایه شکسته توپ نشسته بود و در یوزگی می‌کرد. به من گفتند که این شخص کسی را به قتل رسانیده و حالا اینجا بست نشسته است تا از تعقیب و مجازات مصون بماند چه وقتی مجرمی به اینجا آید از تعقیب مصون می‌ماند» (فلاندن: ۱۱۱).

۲۷. دریاچه ای در میدان توپخانه قدیم حسب الامر ساختند و آب قناتی که به توجه خاطر مبارک احداث شده و از عمارات سلطنتی می‌گذرد، تماماً به حوض مزبور داخل می‌شود و از آن جا به شهر و حوض سبزه میدان می‌رود و بعدها در تمام فضای این میدان، به استثنای راه عبور و مرور، باغچه‌ها طرح و اشجار غرس و گلکاری می‌شود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۱۴۶۶). «بعد از وضع میدان ارگ و طرح حوضی وسیع در آن و غرس دو باغ در دو طرف حوض و نصب ستون‌های سنگی به فاصله چهار ذرع جلو باغ‌ها و محجر چوبی در فواصل ستون‌ها، محض این که ساخت چنین میدانی از آمد و شد دو اب که حمل اجناس می‌کنند مصون باشد...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۱۴۸۷).

۲۸. اداره و سازمان آمار و سرشماری (نک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل «احصاء»).

Ernest Orsolle ۲۹

۳۰. با مقایسه دو نقشه کرشیش و عبدالغفار، متوجه می‌شویم که کارکرد مذهبی یعنی مسجد پیش از اصلاحات انجام شده در زمان ناصرالدین شاه با نام مسجد ظل السلطان در شرق میدان واقع شده بود که پس از تغییر کالبدی میدان، تخریب و در محل انبار تکیه ای با نام تکیه دولت ساخته شد.

Antoin Sevruguin ۳۱

A. V. Williams Jackson ۳۲

زیبا را از تمایم و حرزی که منع اصابت عین الکمال نماید ناچار و تحصیل دافع گزند ضرور و در کار است لهذا به مقتضای رسم باستان و طریق پیشینیان در هر سال گرمی هنگام جشن سپند آتش شوق می‌گردانید و آوازه‌عشرت و سرور به گوش ناهید می‌رساند و طریق گرم کردن این هنگامه آن است که در هر سال روز اول ماه اسفندارسد [اسفندارمذ] منافذ و مداخل اسواق کرده شب وصلی در عین روز روشن می‌سازند و بساط عیش و نشاط در هر یک از دکاکین می‌اندازند بهشتی طلعتان حوری لقا و پری سرشتان ماه سیما مانند کواکب در کهکشان و لعل و یاقوت در رگ کان در راسته رسته‌ها به جای پیدران در دکان نشسته به دل دادن عاشقان و دل بردن اسیران مشغول می‌باشند و... درین سال در سه موضع بساط نشاط به جهت جلوس اعلی حضرت ظل رحمن انداخته و اسباب کامیابی مهیا ساخته بودند جشن نخست زیر تالار در دولت‌خانه مبارکه از سرکار خاصه ترتیب یافته و از کثرت ظروف مرصع و فروش ملمع نمودار صحن آسمان و کواکب درخشان گردیده بود و بساط جشن دیگر در برابر در قیصریه به صدر نگینی گلستان ارم چیده و طراز مجلس سیم درون قیصریه به آیین شایسته به هر جانب کشیده خوش‌آوازان و معرکه طرازان و لولیان و ارباب اصول و نغمات هر جنس دسته دسته به نوبت به رقص و سماع نوربخش ابصار و راحت افزای سماع می‌گشتند و...» (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۹۸ و ۱۹۹).

۲۱. «چون خاطر همیون در همه حال متوجه آنست که بندگان و منسوبان و غلامان و یک‌رنگان در فنون فروسیت و آداب سپاهیگری تمام بوده باشند و صفحه مشق این کار با میدان چوگان بازی یا صحرای شکار صید تازی می‌باشد لهذا در عرصه میدان نقش جهان دارالسلطنه اصفهان به نفس نفیس با جمعی از خاصان و بندگان متوجه چوگان بازی گشته حیرت افزای بینندگان گردیدند».

Eugène Flandin ۲۲

August Karl Krziž ۲۳

Hon. George Keppel ۲۴

۲۵. «...ما یک ساعت از وقت خود را صرف تماشای کاخ کردیم، دروازه‌ای رو به بیرون به طرف میدان وسیعی باز می‌شود که در آن چندین توپ به اندازه‌های مختلف قرار دارد، در وسط میدان توپ عظیمی بچشم می‌خورد که از لطفعلی‌خان آخرین پادشاه سلسله قبلی به غنیمت گرفته شده است. بر سردر هر یک از چهار دروازه تصاویر بزرگی دیده می‌شود که از کاشی‌های لعابی درست شده و واقعا شکل بسیار عجیبی دارد. در یکی از این تصاویر رستم قهرمان بزرگ ایرانی منقوش گردیده که با دیو سفید، دیو افسانه‌ای

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۶۴). *مرآت البلدان*. به کوشش پرتو نوری اعلاء و محمدعلی سپانلو. تهران: اسفار.
- اورسل، ارنست. (۱۳۵۳). *سفرنامه اورسل*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات زوار.
- بل، سایمون. (۱۳۸۶). *منظر، ادراک، الگو و فرآیند*. ترجمه دکتر بهناز امین زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۷). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۸۱). *سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن*. قزوین: سازمان میراث فرهنگی.
- دلاواله، پیتر. (۱۳۴۸). *سفرنامه پیتر دلاواله*. ترجمه شعاع الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ذکاء، یحیی، و محمدحسن سمسار. (۱۳۷۶). تهران در تصویر. ۲ج. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شاردن، ژان. (۱۳۴۵). *سیاحتنامه شاردن*. مترجم محمد عباسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*. مترجم حسین عریضی. با مقدمه فضل الله صلواتی. تهران: نشر گلها.
- شهیدی مازندرانی، حسین. (۱۳۸۳). *سرگذشت تهران*. تهران: انتشارات راه مانا؛ انتشارات دنیا.
- عالمی، مهوش. (۱۳۸۷). «باغ های شاهی صفوی، صحنه ای برای نمایش مراسم سلطنتی و حقانیت سیاسی». ترجمه مریم رضائی پور و حمیدرضا جیحانی. در *گلستان هنر*، ش ۱۲، ص ۴۷-۶۸.
- عبدی بیگ نویدی شیرازی. (۱۹۷۴). *دو حه الا زهار* (قرن دهم هجری)، مثنوی دوم از جنات عدن. به کوشش ابوالفضل رحیموف. مسکو: انتشارات دانش.
- مجابی، سیدمهدی. (۱۳۸۸). در جستجوی هویت شهری قزوین. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- محمدزاده مهر، محمد. (۱۳۸۱). میدان توپخانه تهران، نگاهی به سیر تداوم و تحول در فضاهای شهری. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- معتمدی، محسن. (۱۳۸۱). *جغرافیای تاریخی تهران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- منشی ترکمان، اسکندریبگ. (۱۳۴۸). *تاریخ عالم آرای عباسی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نجمی، ناصر. (۱۳۷۰). *دارالخلافه ناصری*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- وحید قزوینی، محمدطاهر بن حسین. (۱۳۲۹). *عباسنامه، یا شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی*. به کوشش ابراهیم دهگان. تهران: انتشارات کتابفروشی داوودی.
- Keppel, Hon. George. (1827). *Personal Narrative of a Journey from India to England*. London: Henry Corbin.
- Morier, James Justinian. (1812). *A Journey through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, in the Years 1808 and 1809*. London: Longman, Hurst, Orme and Brown.
- Sussan Babaei. (2008). *Isfahan and its Palaces: Statecraft, Shi'ism and the Architecture of Conviviality in Early Modern Iran*. Edinburgh: University of Edinburgh Press.